

چشم اندازهای پاریسی

نوشته آماری شتله

بامهای پاریس. نقشه وسط در پایین «لوتس، شهر پاریسیها» را در اوایل قرن هفدهم نشان می‌دهد.

آیا خیابانهای پاریس را می‌شناسید؟ بعضی‌ها یادآور نشانه‌ای هستند که در گذشته شهرتی داشته است: خیابان «رنار» (روباه)، یا خیابان «شاکیبش» (گر به‌ای که ماهی می‌گیرد). بعضی دیگر نامهای روستایی دارند مانند خیابان «شمن‌ور» (جاده سبز) که در سابق به صورت مارپیچ در میان مزارع صیفی کاری و جالیز کشیده شده بود، یا خیابان «بل فوی» (برگهای سبز) که از بالای دیوار یک پارک قدیمی مشاهده می‌شد. نام برخی دیگر از خیابانها از مشاغل ساده گرفته شده است. مانند خیابان «لنزی» (رختشویخانه) یا خیابان «رونه» (ریسندگی) و یا خیابانهای که یادآور وقایع قدیمی هستند: مثلاً از روی رود «سین» (تور ماهیگیری) از طریق خیابانی به همین نام می‌گذریم، در میدان «گر» (سنگ سیاه) قطعات سنگ مخصوص سنگفرش خیابانها را روی هم انباشته می‌کردند، در منتهی الیه خیابان «کروآ-نی‌ور» (صلیب نی‌ور) یک مجسمه عیسی مسیح بر روی صلیب قرار داشت و همچنین در چهار راه «کروآ-روز» (صلیب سرخ) و «کروآ د پتی‌شان» (صلیب مزارع کوچک).

نام خیابانها و نام اشخاص

همچنین خیابانهای وجود دارد که نام شخصیتها را زنده می‌دارند. مالکان قدیمی نام خود را بر روی جاده‌هایی که از ملکشان می‌گذشت، می‌گذاشتند مثل خیابان «بوفیس» یا خیابان «بودلیک». و یا اداره شهرداری در بزرگداشت کسانی که به شهر خدمتی کرده بودند، نامشان را بر روی خیابانها می‌گذاشت، چنانکه در بخش «ووگیرا» نام یکی از شهرداران قدیمی شهر به نام «فوندرای» بر روی یک خیابان گذاشته شده است. در غالب اوقات شهرتی که یک شخصیت دارد برای توجیه نامگذاری کفایت می‌کند و علاقه‌مندان به معماری می‌توانند خیابانهای «تودور - بالو»، «اوگوست به ره» و «ماله استوان» را از این دسته نامها بشمارند...

یک گذر کوچک در ناحیه شانزدهم پاریس با ساختمانهای سفید که درو پنجره‌های رنگ چرمی دارند و ترکیب حجمی آنها و بامهای مسطح، ساخته و پرداخته یک معمار بزرگ فرانسوی است با همه قدیمی‌سازی حال و هوای بسیار مدرن دارد. این گذر که در سال ۱۹۲۷ باز شده در آغاز از پننج ویلا و یک خانه نگهبانی تشکیل می‌شد و در آن هنگام مورد تمجید بسیار قرار گرفت. اما این شاهکار معماری امروزه در خطر ویرانی قرار دارد. بسیار مجموعه‌های معماری دیگر هم وجود دارد که سیمای

آمار شتله، معمار است و در حال حاضر مشغول تهیه رساله دکترای درباره «مدارس ابتدایی در پاریس از ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۴» است که در زمینه آن نمایشگاهی در سال ۱۹۸۵ ترتیب داد. او دو شماره از بولتن انستیتیوی معماری فرانسه را با عنوانهای «مسکن در پاریس ۱۹۸۰ - ۱۹۸۴» (چاپ ۱۹۸۵) و «لیسین» در مجموعه «اختصاص شهرها» (چاپ ۱۹۸۸) انتشار داده است. او همچنین همراه مونیک الب و تیری ساند و کتاب به مسکن بیندیشیم، مسأله مسکن (مارداگا، بروکسل، ۱۹۸۸) را منتشر کرده است.

خیابان و خاستگاه

پاریس

پاریس، مآل علوم و تمدن و ترقی
پرتال جامع علوم انسانی





▲ کارهای خیابان‌کنی و خرابی بین سالهای ۱۸۵۲ تا ۱۸۵۵ برای کشیدن خیابان «رودزگل».

▼ خیابان ماله - استیون در ناحیه ۱۶ پاریس. تمامی این خیابان توسط معمار نامدار فرانسوی که نامش بر روی خیابان گذاشته شده، طراحی شده است. در تصویر بعدی طاقناهای خیابان ری وولی، یکی از مشخصه‌های عمده پاریس، دیده می‌شود.



شمال - جنوب که با بولوارهای «سیاستوپول» و «سن میشل» مشخص می‌شود، هنوز همان بناهای قرن نوزدهم به چشم می‌خورد. البته اینها نمونه‌های بزرگ دستکاری در بافت شهری قدیمی است. و گر نه کافی است کسی در اطراف میدان «سن میشل» گشتی بزند تا در میان نقش پیچیده زیبایی که از ترکیب خیابانها و کوچه‌های «لا هارپ»، «لا اوست» و «شاکلی پش» پدید می‌آید بناهای حجیم را با نماهای باریک و پنجره‌های مخصوص که یادگار گذشته‌ای دور هستند، مشاهده کند.

دویدن در خیابانها

حالا در این شبکه تودرتو و سردرگم خیابانها، کدام یک را انتخاب کنیم؟ خیابانی را که می‌گویند طولانی‌ترین خیابانها است یا آن را که پهن‌ترین شمرده می‌شود؟ خیابانهایی را که از تغییر و تبدیلات و نوسازی هوسمن در امان ماندند یا خیابانهایی را که شاهد و نمایانگر آن تحولاتند؟ خیابانهایی را که طرح شکوهمندانشان را تنها یک معمار ریخته است، یا خیابانهایی که مجموعه‌ای از سبکهای معماری را عرضه می‌کنند؟ خیابانهایی که بر سنگفرشان آشنایانه پا می‌نهمیم یا خیابانهایی که گویی به زیارتشان می‌رویم؟

برای پاسخ این پرسشها به ریمون کونو گوش فرادهم که شاعرانه سروده است:

خیابانهایی وجود دارد که همچون ناره لوله مانندند
و خیابانهایی که به طاقما می‌مانند
بولوارهایی وجود دارد که زشت و حقیرند
و بولوارهای دیگری که به سیخ کباب شبیه‌اند
و در رویشان اتومبیلها - چون دانه‌های تسبیح - گویی به نخ کشیده شده‌اند
میدانهایی وجود دارد که دوازده ضلعی‌اند
و بعضی از آنها درست به دوزخ می‌مانند
خیابانهایی وجود دارد که به شکل سوسیس هستند
و روی آنها سوسک و زنبور راه می‌رود
آبراهه‌هایی - مثل شهر ونیز - وجود دارد
و جزیره‌هایی چنانکه در شهر فریزا
پلها، بن‌بستها، سکوهای ساحل رودخانه
حیاطها، راههای پست و بلند، کوچه‌ها
آه که چه، که چه که چه تنوعی در راه و کوی و برزن
شهر پاریس [وجود دارد]...*

خاصی پاریس را نشان می‌دهند. مثل خیابان «ریوولی» که به سبب نظم و ترتیب خاص خود و عقب نشینی کاملاً کلاسیک مغازه‌ها چشمگیری و دلربایی خاص دارد. این خیابان در فاصله کاخ «لور» تا میدان «کنکور» از بیش از سیصد طاقنمای شبیه به هم تشکیل شده است که شبها نقاط نورانی چراغ آویزها تاریکی یکدست آن را در هم می‌شکست. تجانس و همخوانی این نماهای سنگی تراش خورده، سبکی شکوهمند و در عین حال غیرشخصی به آن می‌دهد. این گذر و خصوصیتی که دارد دستاورد معماران بزرگ فرانسوی بی‌فرانسوا لئونار فونتن (۱۷۶۲ - ۱۸۵۳) و شارل پرسی به (۱۷۶۴ - ۱۸۳۸) است که در جریان بازسازی محله توتیلری در اواخر قرن هیجدهم، خیابان را به این صورت طرح‌ریزی کردند.

رمبوتو و هوسمن

در قرن نوزدهم ریمبوتو و هوسمن که یکی پس از دیگری در سالهای ۱۸۳۳ و ۱۸۷۰ شهردار منطقه بودند، سیمایی را به پاریس دادند که تا به امروز حفظ شده است. آن دو شهردار، شبکه بزرگراهها را بازسازی کردند و در طی نیم قرن بزرگترین طرح راهسازی را که پاریس هرگز به خود ندیده است به انجام رساندند.

در این طرح بعضی از راهها سر از حومه شهر، که در آن هنگام هنوز آباد و مسکونی نشده بود، در آوردند. چند محله نو ساخته شد مثل «محله اروپا» که طرح آن در سال ۱۸۲۶ در محل بارکهای قدیمی «تی وولی» پی‌ریزی شد ولی ساختمان خانه‌ها به کندی انجام گرفت. از «میدان اروپا» که بر فراز شبکه راههای آهنی که به ایستگاه «سن لازار» منتهی می‌شوند، بنا شده است شش خیابان منشعب می‌شود که هر کدام به نام یک پایتخت نامگذاری شده است: خیابان کنستانتینوپل (قسطنطنیه)، مادرید، وین، لندن، برلن (که امروزه لی‌پژ شده است) ولنینگراد. سیمای بناهای قطور با نماهایی از سنگهای تراش خورده مطابق قاعده «گابارت» ساخته شده است که بر اساس آن ارتفاع ساختمانها با پهنای خیابانها نسبت مستقیم دارد. بامها و شیروانیهایی که لبه‌هایشان شکسته است و مشخصه پاریس هستند، و تخته سنگهای کبود رنگ به کبودی رنگ آسمان که با شیب تندی که دارند مانع از استعمال سفال می‌شوند نتیجه رعایت همین قاعده است. عقب نشینی طبقه پنجم نسبت به طبقات پایین‌تر و وجود اجتناب ناپذیر یک بالکن تا ارتفاع گلوبی در جلو طبقه پنجم از همین قاعده منتج شده است. از این تضاد شهرسازی یک آهنگ منظم حاصل شده است که در آن ساختمان به ساختمان تقطیع عمودی در گاهها در کنار خط مستقیم و بی‌نهایت گلوبی‌ها، زیبایی خاص پدید آورده است.

بعضی از راهها و خروجیها سبب شده‌اند که شکل ظاهر محله‌های پر جمعیت برهم بخورد و خرابیهای بسیار ایجاد شود. اما این کارها برای بهبود وضع ارتباطات، امنیت، سازندگی، تزئین و آرایش پایتخت صورت گرفته است. مثلاً در محور اصلی



* از کتاب دویدن در خیابانها، نوشته ریمون کونو، انتشارات گالیمار، پاریس.